

توفان الکترونیکی

نشریه الکترونیکی حزب کارایران

شهریور ماه ۱۳۹۳ سپتامبر ۲۰۱۴

شماره ۹۸

toufan@toufan.org www.toufan.org

درحاشیه سناریوی دخالت "بشر دوستانه" آمریکا و برکناری نوری مالکی



گزارشی از ایران پیرامون اوضاع ورشکسته اقتصادی و سیاسی
و شرایط روحی و اجتماعی مردم



اعلامیه حزب کارایران (توفان)
پیرامون اعتصاب ۵ هزار نفر از کارگران معدن سنگ آهن بافق



قتل مایکل براون ، جرقه ای که زبانه کشید
گزارشی از فعالین حزب کارایران (توفان) در آمریکا

اسرائیل صهیونیست زیر بار آتش بس پایدار و عادلانه نمی رود

آتش بس و مروری بر فاجعه بمباران غزه

چند یادداشت سیاسی به مناسبت شصت و یکمین
سالگرد کودتای ننگین ۲۸ مرداد

چند گزارش پیرامون اعتراضات بین المللی علیه رژیم صهیونیستی
و همبستگی با مردم غزه

در حاشیه سناریوی دخالت "بشردوستانه" آمریکا و برکناری نوری مالکی

در مقالات پیشین تحلیل کردیم که جریان آدمخوار تروریستی داعش ارتشی مزدور برای تجزیه منطقه خاورمیانه و تغییر مرزهای شناخته شده بین المللی است. این را همه دانسته است که عربستان سعودی داعش را به قصد ضربه زدن به ایران راه انداخت و توسط امپریالیست آمریکا درسوریه پروار گردید. قتل و جنایت گروه داعش تازگی ندارد. بیش از سه سال است که این جریان مخوف و ضد بشردرسوریه سکولار جولان میدهد، ویران میکند، وحشیانه سراز تن جدا میکند و برای تخریب جامعه از هیچ جنایت و خونریزی دریغ نکرده و نمی کند. همه این جنایات بربرمنشانه، ضد زن و ضد تمدن و ضد بشریت مورد حمایت امپریالیست آمریکا و متحدینش بوده و هنوز هم است. دلارهای قطر و عربستان و کمک های تسلیحاتی غرب پایه اصلی رشد این جریان است که امروز باید بنا بر مصلحت استراتژیک "خاورمیانه بزرگ" در عراق جولان دهد و بیرق سیاه الله "حکومت اسلامی عراق و سوریه" را اعلام دارد. در همین رابطه چندی پیش کارمند سابق امنیت «ان اس ای» ادوارد اسنودن فاش کرد که "انگلیس، آمریکا و اداره امنیت هایش و موساد با همکاری همدیگر دولت اسلامی عراق و سوریه را بوجود آورده اند". وی با اسناد و مدارک معتبر افشا ساخت؛ سرویس های اطلاعاتی این سه کشور بوجود آورنده تروریسم سازمان یافته بوده اند که قادر بوده است افراطیون را در یکجا در جهان دور هم گرد آورد؛ این استراتژی را «لانه زنبور سرخ» نامیده اند.

فاجعه ای که اینروزها از آن سخن میروند و رسانه های جادویی شستشوی مغزی غرب بدان آب و تاب میدهند، نه با نیت انسان دوستی و دلسوزانی برای مردم لگدمال شده اقلیت های ایزدی، مسیحی و سایر اقوام عراق، بلکه برای مشروعیت بخشیدن به سیاست معین امپریالیست آمریکا در قالب دخالت «بشردوستانه» است. دخالت مستقیم نظامی آمریکا در عراق برای ممانعت از قتل عام زنان و کودکان و مردم مصیبت دیده عراق نیست، چنین فاجعه ای ادامه سیاست ویرانگرانه آمریکا برای تحقق خاورمیانه بزرگ و تجزیه کشورهاست. فریاد "حقوق بشر خواهی" غرب امپریالیست یک ریاکاری سیاسی برای فریب افکار عمومی است. سکوت بیشرمانه غرب امپریالیست در مقابل ۵ هفته بمباران وحشیانه غزه که بیش از ۱۸۰۰ نفر سلاخی شده و دهها هزار نفر زخمی و آواره گردیده، بر کسی پنهان نیست. غرب امپریالیست هیچ محکومیتی برای اسرائیل متجاوز صادر ننمود، آمریکا حتی در بحبوحه بمباران غزه ارسال مهمات نظامی به رژیم صهیونیستی را تصویب کرد و جنبش مقاومت فلسطین را مسبب این جنگ اعلام داشت. کنگره آمریکا اخیرا ۵۰۰ میلیون دلار کمک نظامی برای آموزش جنگجویان سوریه که از جمله شامل حال همین افراطیون داعش نیز میشود به تصویب رسانید. حال چگونه است که اکنون برای مردم عراق دل میسوزاند و برای درد ورنجشان اشک تمساح میریزد و علیه توحش داعش سخن می گوید. دلایل این همه ریاکاری کدامند؟

- امپریالیست آمریکا که در اتحاد با اپوزیسیون ارتجاعی و خود فروخته کرد و شیعه عراق رژیم صدام حسین را برانداخت و شیرازه کشور را از هم پاشاند، با تقویت جناح شیعه نوری مالکی به قتل عام سنی ها پرداخت. زندان و شکنجه و اعدام برپا داشت و فجایع عظیمی آفرید که در تاریخ ملت عراق و منطقه بی نظیر است. امپریالیست آمریکا بر این امید بود که با توسل به این سیاست تفرقه افکنانه، جنایتکارانه و همیاری و طنفروشانی چون حزب دعو و شرکاء بر خرمداد سوار شود و به تثبیت حاکمیت نامشروع و استعماری خود بپردازد و "ثبات و امنیت" به ارمان آورد. اما مقاومت سرسختانه و قهرمانانه مردم عراق بخشی از طرحهای امپریالیستی آمریکا را بهم ریخت و آنها را به شکست کشانید. آمریکا با به راه انداختن جنگ مذهبی و قومی برای منحرف کردن مبارزه ملی و ضد امپریالیستی مردم و ازسویی با بیرون کشیدن رسمی بخشی از قوای نظامی خود از خاک عراق بدنبال راه حلی برای خروج از این بحران میگشت.

- نزدیکی نوری مالکی با رژیم جمهوری اسلامی به مذاق امپریالیست آمریکا خوش نمی آمد و سران ابرجنایتکار آمریکا بارها ناراضی و نگرانی خود را از این رابطه ابراز داشته اند. نوری مالکی در مورد تحولات سوریه نیز با احتیاط جانب بشاراسد را گرفت. اما وی فراموش کرد که رژیمش وابسته به آمریکاست و خودش به یمن خیانت به ملت عراق و در پارکابی نیروی نظامی آمریکا به رهبری جرج واکر بوش به قدرت رسید. نوری مالکی گویا فراموش کرد گماشته ای بیش نیست و بدون اجازه ارباب اجازه نوشیدن آب ندارد چه رسد به اینکه دارای استقلال سیاسی باشد. امپریالیست آمریکا با بیست هزار پرسنل نظامی و غیرنظامی و مشاوران رنگارنگ در بزرگترین سفارتخانه جهان در بغداد و حداقل سه پایگاه نظامی تمام حیات مادی و سیاسی کشور را در کنترل خویش دارد و استقلال سیاسی عراق تحت سلطه آمریکا امری ناممکن و فقط به یک شوخی شبیه است.

واقعیت این است نوری مالکی دیگر مصرفش به سرآمدو کشتی بان را سیاستی دگرآمد. کیش دادن داعش به شهرها و پادگانهای نظامی و سناریوی تسلیم نیروهای ارتش بدون کمترین مقاومت پرده از بی ریشگی دولت مالکی برداشت و سرانجام کاخ سفید بدون تعارف از نوری مالکی خواست فوراً از مقام نخست وزیری اش برکنار شود تا آرامش به عراق برگردد و چنین نیز شد. مالکی روز پنجشنبه ۲۳

مرداد بدون کمترین مقاومت از کاربرکنار شد و سپس بطور مضحکی در سخنانی حمایت خویش از حیدر عبادی نخست وزیر جدید را اعلام داشت.

نوری مالکی درسختانش، دوران هشت ساله نخست وزیری خود را یک «تحول بزرگ!!» در عراق جلوه داد که گویا " دستاوردهای مهمی را برای ملت عراق به ارمغان آورده است!!" آمریکا و اتحادیه اروپا نیز رسماً از برکناری نوری مالکی استقبال کردند و جمهوری اسلامی نیز با این سیاست همراه شد. نتیجه اینکه نخستین هدف آمریکا درپس پرده تهاجم داعش به شهرهای عراق، با برکناری نوری مالکی و گماردن عناصر سرسپرده باصطلاح میانه رو که مجری کامل سیاستهای کاخ سفید هستند محقق شد.

- امپریالیستهای غربی که برای ارسال سلاح به حکومت اقلیم کردستان تحت عنوان "تقویت نیروی نظامی پیشمرگه درمقابل تهاجم داعش و عقب راندن او" از یک دیگر سبقت میگیرند، هدفی جز تضعیف حکومت مرکزی و آماده سازی تجزیه عراق به سه کشور کوچک ندارند. امپریالیست آمریکا با این سیاست شیدانه "بشردوستانه" و سناریوی داعش با یک تیر چند نشان زد: یکم اینکه نوری مالکی را برانداخت، دوم اینکه در قالب دخالت بشردوستانه " بمباران عراق را از سرگرفت و بدان مشروعیت بخشید و با گسیل چند صد مشاور نظامی و امنیتی به تقویت جایگاه خود پرداخت. سوم اینکه کشورهای اروپایی را که پس از اشغال عراق از خود دور کرده بود به پیروی از سیاستهای خود در عراق کشانید تا با کمک متحدین اروپایی بخشی از بار مسئولیت سیاسی و هزینه نظامی را به گردن آنها اندازد و با اجماع جهانی و افکار عمومی مناسب سیاستهایش را به اجرا درآورد.

اکنون استراتژی تقویت کردستان عراق که بعنوان اسرائیل دوم در منطقه مورد حمایت تمامی دول غرب از جمله رژیم صهیونیستی اسرائیل قرار گرفته است، در چهارچوب سیاست تجزیه عراق قابل تبیین است. اینکه این سیاست تا چه اندازه عملی است و آیا اوضاع طبق چنین طرحی پیش خواهد رفت باید منتظر بود و دید.

اینهاست بطور فشرده دلایل ریاکاری امپریالیست غرب به سرکردگی آمریکا در قالب دخالت بشردوستانه در عراق و مبارزه با جریان سیاه داعش!!

اما راه مردم عراق راه اتحاد برای عراقی یک پارچه و دمکراتیک و مستقل است و این جز پیکار علیه امپریالیسم و مزدورانش ناممکن است. هر طرح سیاسی در چهارچوب سیاست استعماری امپریالیسم و صهیونیسم برضد منافع مردم عراق و منطقه است و باید محکوم گردد.

نقل از فیسبوک حزب کارایران (توفان)

توفان سخن هفته

<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>

جمعه ۲۴ مرداد ۱۳۹۳



گزارشی از ایران پیرامون اوضاع ورشکسته اقتصادی و سیاسی و شرایط روحی و اجتماعی مردم

وضعیت اقتصادی - اجتماعی

اقتصاد تک محصولی ایران که بر اساس فروش نفت و پرداخت هزینه های دولتی و واردات کالاهای مورد نیاز گذاشته شده است، به خصوص در دوران پس از جنگ هشت ساله ایران و عراق با در پیش گرفتن سیاستهای نئولیبرالی دیکته شده توسط بانک جهانی و صندوق بین المللی و سازمان تجارت جهانی در جهت نابودی تولیدات صنعتی و کشاورزی و گسترش واردات بوده است.

کشورهای امپریالیستی آمریکا و اتحادیه اروپا که به خوبی نسبت به وضعیت اقتصاد ایران و نقطه ضعف آن شناخت داشتند و می دانستند که با تحریم خرید نفت و انتقالات بانکی و بلوکه کردن پولهای فروش نفت، ایران را در شرایط کیش و مات قرار میدهند و شرایطی ایجاد می کنند که حاکمیت حتی توان پرداخت مخارج جاری دستگاه دولتی را نداشته باشد و با فراهم آوردن زمینه های شکست اقتصادی و گسترش بیکاری و فقر و افزایش تورم و شورشهای اجتماعی حاکمیت جمهوری اسلامی را که از طغیان مردم گرسنه به وحشت مرگ خواهد افتاد، به تسلیم بدون قید و شرط خواهند کشاند.

هر چند حاکمیت نام این تسلیم را نرمش قهرمانانه برای حفظ نظام گذاشت و پاکت مذاکرات که شامل همه امتیازات در عرصه های مختلف اقتصادی و سیاسی (چه در عرصه جهانی و منطقه ای) را تنها با شرط حفظ نظام پذیرفت؛ ولی این تسلیم و باج دهی از چشم مردم دور نمانده و مردم نسبت به آن آگاهی کامل دارند.

بخشهایی از حاکمیت که شامل نئولیبرالهای باند رفسنجانی و دولت روحانی و اصلاح طلبان و بخشهایی از بورژوازی بروکرات و بورژوازی تجاری و اقشار بالائی جامعه و مرفه می شود، برای به نتیجه رسیدن مذاکرات تسلیم، دقیقه شماری می کنند و این تحول را در جهت تثبیت موقعیت و منافع طبقاتی خود ارزیابی می کنند و در ضمن تبلیغ می کنند که حاصل آن نیز تلطیف فضای سیاسی و اجتماعی و گسترش آزادیهای فردی است؛ و از این طریق بخشهایی از خرده بورژوازی مرفه و مدرن و شهری را نیز به دنبال خود می کشانند.

بخشهایی از حاکمیت که شامل باندهای بورژوا بروکرات نظامی، امنیتی و معمم می شود و از طریق خصوصی سازیها و خودمونی سازیها و رانت خواری ها و کنترل مراکز مذهبی نظیر تولیت آستان قدس مشهد و شاهچراغ شیراز و معصومه قم و موقوفات و نهادهایی نظیر بنیاد مستضعفین و کمیته امداد خمینی و هزاران شرکت مالی و صنعتی و مجموعه های کشت و صنعت زیر مجموعه آن را در کنترل دارند و بخشهایی از بورژوازی تجاری و خرده بورژوازی سنتی مرفه که از طرفداران خامنه ای و به اصطلاح اصولگرایان هستند با نگرانی و بیم و امید به تحولات آینده می نگرند.

بخشهای پائینی و بدنه سپاه و بسیج و نیروهای متوهم مذهبی که به باند خامنه ای اعتماد داشتند تحت تاثیر چرخش به راست حاکمیت و تسلیم و باج دهی به غرب، سرخورده از کلاه گشادی که بر سرشان رفته و نگران از تحولات، به دنبال کشیدن گلیم خود از آب و جدا کردن حسابشان از حاکمیت هستند.

روند تخریب و تعطیل صنایع که به دنبال تحریمها و به خصوص تحریم مبادلات بانکی تشدید شد، باعث شده حتی آن بخشهایی که مشکل نقدینه گی نداشتند نیز به علت اینکه نمی توانند مواد اولیه و یا قطعات وارد کنند دچار بحران گشته و به تعطیل کشیده شوند. همین روند تخریب در بخش کشاورزی و دامپروری البته به دلیل حمایت نکردن از تولیدات داخلی و گسترش واردات وجود دارد و هر روز ابعاد گسترده تری می گیرد.

تنها بخشی از به اصطلاح "اقتصاد" ایران که همچنان پر رونق است، زمینخواری و مستغلات و بساز و بفروشی و در واقع تخریب زمین های کشاورزی و باغات و جنگلها و مراکز صنعتی و تبدیل به برج و ویلاست. تقریباً بخش اعظم سرمایه ها به این سو سرازیر شده است؛ از کسانی که سرمایه های چند صد میلیاردی دارند تا کسانی که سرمایه چند ده میلیونی دارند به فکر خرید و فروش زمین و بساز و به فروشی هستند چون قیمت املاک و ساختمان مطابق افزایش قیمت ارز بالا میرود و در ضمن سود سرشار و بی درد سری در آن است.

برای اینکه دید روشنتری از این وضعیت داشته باشیم مشاهدات خود را از چند هفته قبل که مسافرتی به شهرها و روستاهای شمالی ایران در مازندران و گیلان داشتم برایتان تعریف می کنم.

در اکثریت مطلق روستاها خبری از نان و ماست و کره و پنیر و سرشیر و حتی تخم مرغ محلی نیست. در روستائی از توابع مرزن آباد به اسم کندلوس که ساکنین بومی اش دویست نفر هم نیستند، بیش از بیست عدد بنگاه معاملات ملکی و نصف این تعداد بقالی وجود دارد که همه کالاهای خود را از شهر وارد می کنند. روستائیان کار کشاورزی و باغداری و دامداری را رها کرده به خرید و فروش زمین های کشاورزی و جنگلی روستا به منظور ویلا سازی برای اقشار مرفه شهری و یا بقالی و کارگری ساختمان و یا سرایداری ویلاها پرداخته اند و یا به شهر مهاجرت کرده اند.

بسیاری از روستائیان مرفه و نیمه مرفه مناطق خوش آب و هوای ایران یک شبه به ثروتمندان نوکیسه شهر نشین تبدیل شده و روستائیان کم زمین و بی زمین به کارگران ساختمانی و حاشیه نشین شهرها.

در تمامی شهرهای شمالی در هر خیابان بیش از صد بنگاه معاملات ملکی و صدها مغازه کلوچه و مربا و ترشی فروشی و اجناس تولید چین به عنوان سوغات شمال می ببینید و صدها نفر که در کنار جاده و خیابان تابلو ویلا ای اجاره ای به دست گرفته اند. فقط در منطقه کلاردشت بیش از هزار بنگاه معاملات ملکی وجود دارد. از تولید خبری نیست. کارها یا خدماتی است در رابطه با شکم مثل کبابی و رستوران و پیتزا و همبرگر و یا مغازه داری و دلالی است. البته در همه جای ایران و از جمله شهرهای شمالی ایران خیل عظیمی از روستائیان فقیر و اکثراً زنان را می ببینید که به عنوان دست فروش در کنار جاده و خیابان در حال فروختن سبزی و میوه مختصری هستند.

روستاها مناطق بد آب و هوای ایران نظیر خراسان جنوبی و نواحی کویری یا خالی از سکنه هستند و یا فقط چند خانواده بسیار فقیر و سالمند در آنها زندگی می کنند.

در تمام شهرهای بزرگ ایران حاشیه های پر جمعیتی است که در بسیاری موارد جمعیت حاشیه ها از خود شهرها بیشتر است و در انبوهی از مشکلات دست و پا می زنند.

بیکاری بیداد می‌کند. بسیاری از جوانان با تحصیلات دانشگاهی بخصوص دختران با دستمزدهائی به مراتب پایینتر از حداقل تعیین شده به عنوان فروشنده در بوتیک‌ها و فروشگاههای مختلف و رستوران‌ها و تولیدی‌ها مشغول کار هستند. دهها هزار جوان دست فروش در خیابانهای مختلف و کنار بازارها و در متروها مشغولند. عده‌ای با موتور مسافرکشی می‌کنند و یا بیک موتوری هستند. پیرمردها و پیر زنان بازنشسته و زنان سرپرست خانواده دست فروشی را می‌بینید که کل سرمایه شان بیست هزار تومان نمی‌شود و در واقع پوششی است برای گدائی محترمانه. پسران و دختران دانشجویی که در کنار خیابان و پلهای عابر پیاده و میدانها نوازندگی می‌کنند.

پدیده نو ظهوری که در چند ساله اخیر به صورت علنی و قانونی فعالیت می‌کند، بازار بورس دلان سکه طلا و ارز مثلا در میدان سبزه میدان و خیابان فردوسی تقاطع منوچهری است. هزاران دلال سکه و ارز که البته همگی مثل همکاران کت و شلوار بازار بورس قانونی و بازار بورسهای اروپائی و آمریکائی و غیره، از هفت خط‌های روزگار هستند ولی با تئیهای لمپنها و باجگیرها به کار خرید و فروش عمده مشغولند. از این گونه بازارها که توسط دلالان حرفه‌ای گردانده می‌شود می‌توان از بازار فروش دهها هزار انواع و اقسام ماشین را در بیابانهای اطراف بزرگ راهی در جنوب تهران و یا بازار فروش انواع و اقسام حیوانات (حتی شیر و پلنگ و کروکودیل و میمون)، یا جمعه بازار تهران که در آن اجناس عتیقه و دزدی هم بفروش می‌رسد نام برد. این طور که پیش می‌رود بعید نیست تا چند سال دیگر شاهد بازار بورس فروش علنی مواد مخدر یا بازار برده فروشان هم باشیم. زیاد تعجب نکنید وقتی مردم کلیه و کبد و چشمشان و تن و روحشان را می‌فروشند، حتما دلال‌ها و سرمایه داران معمم و مکلائی پیدا خواهند شد که از آن بازاری برای کسب سود درست کنند. خلاصه در ایران اسلامی امروز با پول هر کاری میتوان انجام داد.

در مورد وضعیت معیشت مردم ایران می‌توان به جرئت گفت که از جمعیت هشتاد میلیونی امروز ایران حداقل پنجاه میلیون نفر در حد خط فقر و یا زیر خط فقر و یا خط بقاء و زیر خط بقاء و رو به مرگ، زندگی میکنند که در بر گیرنده بیکاران و خانواده‌های بی سرپرست و کارگران و زحمتکشان شهر و روستا و کارمندان و حقوق بگیران رده پائین و متوسط ادراست. قیمت ارزاق و مایحتاج عمومی و به خصوص اجاره مسکن بیداد می‌کند. نسبت به دوسال قبل، قیمت تمام کالاها بین دویست تا سیصد درصد افزایش داشته است. هیچگونه تناسب معقول و منطقی بین مخارج و دستمزدها و حقوق دریافتی وجود ندارد. اکثر مردم مجبورند به چند کار مشغول و بین ۱۲ تا ۱۶ ساعت در روز کار کنند تا بتوانند حداقل امکانات بخور و نمیر را فراهم کنند. قیمت کالاها بر اساس نرخ‌های جهانی و بر اساس ارزهای خارجی محاسبه می‌شود و دستمزدها و حقوق‌ها بر اساس استنمار داخلی و با ریال و یکدهم دستمزدها و حقوق‌ها در سطح اروپا و آمریکا پرداخت میشود.

وضعیت فرهنگی

دستگاه حاکمه جمهوری اسلامی توانسته در طی ۳۵ ساله حاکمیت خود، به خوبی، از عهده جا انداختن فرهنگ آخوندی در جامعه برآید. دروغگوئی و ظاهر سازی و ریاکاری و تملق و چاپلوسی و کلاهبرداری و خودخواهی و خود محوری و فردگرایی و چشم و همچشم گرایی و پول پرستی و پول محوری و ظاهرگرایی و مدرک گرایی و خرافات به فرهنگ مسلط جامعه امروز ایران به خصوص در بین طبقه بورژوا و اقشار وسیع خرده بورژوازی مدرن و سنتی و بخشهایی از زحمتکشان جامعه درآمده است. البته نکته دیگری که باید یادآور شد تاثیرات دستگاههای ارتباط جمعی امپریالیستی و کانالهای تلویزیونی اپوزیسیون دست راستی و ارتجاعی در جهت تشدید کردن جنبه‌های مضمونی این تخریب فرهنگی است؛ اگر چه ظاهری متفاوت و بی‌ریش و پشم و مدرن دارد.

خرده بورژوازی شهری و مرفه و امروزی ایران که مخالف ظواهر سنتی و ریش و پشم است و گرایش به ظواهر مدرنیسم غرب دارد آرزویش داشتن خانه‌ای در شمال شهر و ویلائی در شمال، سفر به خارج از کشور و داشتن ماشینی شیک و کامپیوتر و جدیدترین موبایل و استفاده از مدارس غیر انتفاعی و فرستادن فرزندان به دانشگاه‌های خارج برای تحصیل و اگر نشد با زور پول به دانشگاههای آزاد برای گرفتن مدرک، باز کردن صفحه‌ای در فیسبوک و گذاشتن عکسهای قد و نیم قد با حالت‌های قرو قمیش از خود و نوشتن مطالبی از دوران با شکوه باستانی ایران و خدمات رضا شاه و فحش به اعراب و لبنان و غزه و در هنگام انتخابات جیب بنفش کشیدن و حمایت از حسن آقای روحانی و امید به آشتی حسن و حسین (اوباما). این قشر که برای بالا کشیدن خود به سطح بورژوازی حاضر است هر کاری بکند هنر پیشه خوبی هم هست؛ اگر لازم باشد در ظرف یک چشم به هم زدن دهها معلق زده و جبهه عوض می‌کند. مهم حفظ موقعیت و منافع فردی است. داشتن پرنسپ برای حرف مفتی است.

اقشار متوسط و پائینی خرده بورژوازی شهری و روستائی نیز هر چند همواره در حال نالیدن از مشکلات اقتصادی و اجتماعی هستند ولی چون معیار ارزش، هم برای آنها، و هم جامعه، پول است با هر جان‌کندن و مشقت و این کلاه و آن کلاه کردن می‌خواهند خود را بالا بکشاند و یا حداقل در ظاهر نشان دهند که وضعیت مالیشان خوب است و در رفاه بسر می‌برند. اگر یک خانه هفتاد، هشتاد متری دارد می‌خواهد از طریق ساخت مشارکتی اجازه ساخت یک آپارتمان چهار طبقه بگیرد و از دو دستگاه آپارتمانی که سهمش میشود یکی را خودش استفاده کند و دیگری را اجاره دهد تا کمک خرجش شود. اگر کارمند است سعی می‌کند قاپ رئیسش را بزند، چاپلوسی کند، خودش را مرید و مراد و همنظر او جا بزند، از دیگران جاسوسی کند، نماز جماعت بخواند، روزه بگیرد، عضو بسیج بشود فقط برای اینکه کارش را حفظ کند. اگر کاسب است، به مسجد محل حتما سری بزند و دم امام جماعت مسجد محل را ببیند. تا آنجا که می‌تواند گران فروشی کند و جنس بنجل و تاریخ گذشته و درهم به خلق الله بفروشد. البته اجناس مرغوب را برای مشتری‌های پولدار با قیمت بالاتر نگه دارد. اگر تولیدی دارد سعی کند از ارزانترین مواد اولیه استفاده کند و برای محل کار تا آنجائی که میتواند کمتر اجاره دهد و اگر لازم شد بیست نفر را هم در یک زیر زمین ۱۲ متری بدون پنجره و هواکش بچپاند؛ به کارگران هم تا جائی که می‌تواند کمتر مزد دهد؛ اگر بتواند همان کار را از بچه‌ها بکشد و نصف دستمزد بدهد که چه بهتر؛ قانون کار و بیمه هم که

کشک است و شامل حال کارگاههای زیر ده نفر نمی شود، تازه آنجائیهایی هم که شامل قانون کار میشود، طره ای برای این قانون خرد نمی کنند. اگر تعمیرکار و سرویس کار است، سعی می کند هم دستمزد بالا بگیرد و هم از قیمت قطعه استفاده شده چیزی نصیبش شود و یا قطعه دسته دوم استفاده کند و پول قطعه نو را بگیرد.

اعتیاد و فحشاء و الکلیسم و دزدی و کلاهبرداری و رشوه خواری و رانت خواری و زورگوئی و اجحاف مقامات قضائی و دولتی و انتظامی و حراست ادارات و مراکز صنعتی و نداشتن امنیت شغلی و اجتماعی و توهین و بی احترامی و در کل جاری بودن قانون جنگل، به اموری عادی در زندگی مردم ایران درآمده. مردم به بی حقوقی خود و همچنین بی توجهی و لگد مال کردن قانون (حتی قوانین رانندگی) آنجا که بتوانند، عادت کرده اند.

دزدی چنان گسترده است که تقریباً جلوی همه پنجره های طبقات اول ساختمانها میله های آهنی و در مقابل در ورودی اکثر آپارتمانها درجه فلزی کثوئی کشیده اند. ماشینها به انواع و اقسام سیستم های دزدگیر و قفل های فرمان مجهز است و مغازه ها به آخرین مدل دوربین های مداربسته و دزدگیر، ولی با این حال به دلیل فقر گسترده، دزدی هم بصورت گسترده وجود دارد.

اخلاق و فرهنگ اسلامی علاوه بر مظاهر بیان شده در فوق بخصوص در رابطه با حقوق خانمها در طی این ۳۵ سال چنان گسترش یافته که زنان و دختران تنها، حتی در شهرهای بزرگ، از دست مزاحمت ها و متلک گوئی های اردل و اوباش و درخواستهای نامشروع توسط روسا و همکاران مرد در محیط کار یا مراکز آموزشی، راحت نیستند. در ایران امروز شیشه غیر مشجر و معمولی یا رنگ نشده و استتار نشده با پارچه های زخیم در پنجره هیچ خانه ای چه در شهر و چه در روستا نمی بینید. دلیلش هم، البته، هم چشمهای پاک امت حزب الله و هم کنجکاوئی و تجسس رواج یافته توسط فرهنگ امر به معروف و فضولی اسلامی است. در فرهنگ غالب جامعه ما پایبند بودن به اصول انسانی و فضائل اخلاقی مساویست با هالو بودن و بلاهت و سادگی و عکس آن مساوی با زرنگی و تیز هوشی.

با همه این اوصاف زیاد نا امیدتان نکنم هنوز هم در مقابل این تهاجم ضد فرهنگی توسط ارتجاع داخلی و خارجی، در میان کارگران و زحمتکشان و روشنفکران مردمی و مترقی جامعه، مقاومت وجود دارد. همچنانکه می دانید در حاکمیت جمهوری اسلامی انسان بودن و با مغز خود فکر کردن و با شخصیت بودن جرم بزرگی است و مساویست با از دست دادن امنیت شغلی و اجتماعی و زندان و شکنجه و اعدام. با این حال انسانهایی هستند که حاضرند این خطر را بپذیرند و بر اصول انسانی و اخلاقی و وجدانی خود پایبند باشند. کارگران و روشنفکران مردمی زندانی مظهر این مقاومت و پایداری و فرهنگ انسانگرایانه و آزادیخواهانه و عدالت پژوهانه هستند. این مقاومت در اشکال فعالیتهای صنفی و اجتماعی و فرهنگی و ادبی و هنری و ورزشی وجود دارد.

اعلامیه حزب کارگران(توفان)

درد بر کارگران معدن سنگ آهن بافق



تجمع خانواده های کارگران و مردم شهر در مقابل فرمانداری

تحصن پنج هزار کارگر معدن سنگ آهن بافق که در تاریخ ۲۷ اردیبهشت امسال آغاز شد و به مدت ۳۹ روز طول کشید در پی موافقت هیات دولت با لغو موقت خصوصی سازی معدن در تاریخ ۴ تیر پایان یافت. مهلت دو ماهه کارگران به دولت که از پایان دوراوت اعتصاب آغاز شده بود، امروز سه شنبه پایان می یابد. اما کارگران با توجه به شناخت و آگاهی که از نیت سیاسی کارفرمایان و حامی آنها دولت سرمایه داری دارند به تحصن خویش ادامه داده تا به خواسته های طبیعی و انسانی خود دست یابند. لیکن دولت بجای پاسخ به مطالبات روشن کارگران بیشرمانه به بازداشت شماری از آنها مبادرت میورزد تا با ایجاد ترس و ارعاب و تهدید به اخراج و بگیر و ببندهای رایج فضا را بر کارگران تنگ کند و اعتصاب را در هم شکند.

خانواده های کارگران و بخش بزرگی از مردم بافق به کارگران اعتصابی پیوستند و در اعتراض به دستگیری کارگران در هشتمین روز از دورود اعتصاب در مقابل فرمانداری شهر تجمع کردند. یکی از کارگران بافق در همین رابطه چنین بیان داشته است: "علاوه بر

خانواده‌های کارگران بازداشتی که مقابل فرمانداری تجمع کرده‌اند، مردم شهر به تناوب در جمع این خانواده‌ها حاضر شدند و آنان را همراهی کرده‌اند."

اجرای سیاست‌های نئولیبرالی دولتهای هاشمی رفسنجانی، محمود احمدی نژاد و حسن روحانی نشان می‌دهد که خصوصی سازی های معادن و شرکتهای تولیدی حاصلی جز اخراج نیروی انسانی، کاهش دستمزد و وخیم تر شدن شرایط محیط کار و ناامنی شغلی.... نداشته و نخواهد داشت. از این رو کارگران معدن بافق نیز بدرستی به سیاست نئولیبرالی رژیم سرمایه بدبین و با آن مخالفند و اعتصاب کارگران را باید در همین چهارچوب سیاستهای خانمان برانداز بربریت سرمایه داری مورد ارزیابی و حمایت قرار داد. رژیمی که برای حفظ منافع نظام سرمایه داری و مافیای حاکم به قهر و سرکوب علیه کارگران شریف ایران متوسل شود چاره ای جز اینکه به اجانب روی آورد تا شاید چند صباحی بر عمر نکتبشارش افزوده گردد، ندارد. حزب کار ایران (توفان) بازداشت کارگران معدن بافق و ضرب و شتم آنها را که برای مطالبات پایه ای و عادلانه خود مبارزه میکنند ، شدیداً محکوم مینماید. ما یکبار دیگر نفرت و انزجار خود را نسبت به رژیم سرمایه داری و ضد مردمی جمهوری اسلامی ایران می داریم.

کارگران حق دارند که برای حقوقی که از آن محروم شده اند مبارزه کنند، دست به اعتصاب و تحصن بزنند و تشکلهای مستقل خود را ایجاد نمایند. هرکوشی که فعالیت مشروع طبقه کارگر را جلوگیری نماید باید توسط تمامی مزدگیران و نیروهای مترقی ایرانی و بین المللی محکوم شود. سرکوب توده‌های مردم توسط رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی هم به سود استثمارگران و چپاولگران ایرانی و هم به نفع امپریالیستها و جنگ افروزان بین المللی است که با تحریم های اقتصادی خود شرایط زندگی مردم ایران را وخیمتر کرده اند.

حزب کار ایران (توفان) از تحصن و اعتصاب عادلانه کارگران معدن سنگ آهن بافق قویا حمایت میکند و با خانواده های آنها که در مقابل فرمانداری تجمع کرده اند ابراز همبستگی می نماید. ما همه احزاب و سازمانهای برادر ، فعالین کارگری و تشکل ها و افراد مترقی جهان را فرا میخوانیم که همبستگی خود را با مبارزات کارگران معدن بافق ایران بیان کنند. مردم جهان باید نفرت و انزجار خود را از رژیم منفور جمهوری اسلامی برای بد رفتاری و سرکوب و زندانی نمودن کارگران ایران ابراز دارند و از رژیم بخوانند که کارگران بازداشتی را بدون قید و شرط آزاد نمایند. فقط با تشدید مبارزات متحد و متشکل کارگران و زحمتکشان ایران و حمایت واقعی بین المللی است که میتواند رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی را به عقب نشینی وادارد و سرکوب توده ها را متوقف سازد.

درد بر کارگران قهرمان معدن سنگ آهن بافق ایران!

مرگ بر رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!

حزب کار ایران (توفان)

سه شنبه چهارم شهریور ۱۳۹۳

www.toufan.org

قتل مایکل براون ، جرقه ای که زبانه کشید

گزارشی از فعالین حزب کار ایران (توفان) در آمریکا



مایکل براون ، جوان ۱۸ ساله سیاه پوست آمریکائی ، اهل شهر کوچک فرگوسن در ایالت میسوری آمریکا ، در حال گذر به طرف دیگر خیابان ، توسط پلیس سفید پوست ولی نژادپرست متوقف میشود و بعد از رد و بدل شدن چند کلمه بدون اسلحه بگلوله بسته میشود. شش گلوله به سر و پیکر این جوان اصابت میکند و بدن بیجان و غرقه در خون او ساعتها در کنار خیابان باقی میماند.

خبر قتل مایکل براون دهان بدهان سرعت در شهر پخش میشود و مردم را به اعتراض به خیابانها میکشانند. از اکثریت سیاه پوست شهر فرگوسن تا سفید پوستان شهرهای دور و نزدیک، از پلنگان سیاه تا فعالین سیاسی غیر سیاه پوست، خود را به محل قتل مایکل براون میرسانند و شعله های اعتراض علیه نژادپرستی چند صد ساله اوج میگیرد. توده های بهم پکیده و خشمگین روزها و شبها در خیابان میمانند و به صدای اعتراض خود علیه این قتل نژادپرستانه چنان قدرتی میبخشند که در هر گوشه کشور بحث بر سر چگونگی این قتل و علل بروز خشم و شورش توده ای بالا میگیرد و دملهای چرکین چندین ساله شروع به تند خاریدن میکنند. در بسیاری از شهرهای کوچک و بزرگ همبستگی با اعتراضات مردم فرگوسن رشد کرده و گزارشات شورش جنبه ملی و بین المللی یخود میگیرد. فرگوسن شبها در مقابله با سرکوب پلیسی در شعله های آتش میسوزد و رئیس پلیس را مجبور به معرفی قاتل مایکل براون میکند. همزمان، و برای تخریب شخصیت مایکل، ویدیو دزدیدن یک بسته سیگار توسط او به نمایش گذاشته میشود که این خود بر خشم توده ای افزوده و شعله های اعتراض همه شهر را در بر میگیرد و نظام سر تا پا جنایت امپریالیستی را به تقلا وامیدارد تا با سرکوب و حقه و عوامفریبی، هرچه زودتر آنها را بخاموشی بکشانند. کاخ سفید بسرکردگی رئیس جمهور سیاه پوست دستور اعزام نیروی سرکوبگر "گارد ملی" برای برقراری "امنیت ملی" را صادر میکند. اواما همچنین با عوامفریبی سعی میکند که خود را با معترضین همراه نشان داده تا شاید بتواند آب سردی بر خشم جوانان سیاه پوست بپاشد. از یکطرف نظام سرا پا گندیده و بحران زده سرمایه با پلیس و گارد تا بدندان مسلح خود مشغول سرکوب توده های به خیابان آمده میشود و از طرف دیگر دادستان سیاه پوست آن به فرگوسن اعزام میشود تا خود را نمونه ای از جوانان به خشم آمده که سابقا قربانی سرکوب نژادی بوده است معرفی کند و قول اجرای عدالت در مورد حادثه مایکل براون را بدهد. اواما از یکطرف به پلیس و گارملی دستور میدهد که شعله ها را قبل از آنکه به شهرهای دیگر سرایت کند هر چه سریعتر خاموش کنند و از طرف دیگر پلیس فرگوسن را برای بکارگیری خشونت بیش از حد مورد انتقاد قرار میدهد و همزمان مردم را به آرامش دعوت میکند.

در آمریکا، انفجارهای اجتماعی ناشی از تبعیض نژادی و سرکوب خونین آنان تاریخچه طولانی دارد. آتلانتا، دیترویت، فیلادلفیا، شیکاگو، لوس آنجلس، و نیویورک نمونه هایی از شهرهای بزرگ هستند که در آن خشم توده های سیاه پوست به فوران درآمده است. این انفجارها ریشه در فقر، ناامیدی، آینده تاریک، و نابرابری اجتماعی.... دارند. همه مقامات دولتی در آمریکا در صد سال گذشته، چه مقامات محلی و چه سیاستمداران واشنگتن نشین، بر این امر مطلع اند. اما ساختار سیاسی-اقتصادی جامعه کارت پستالی آمریکا در مضمون خود امکان برخورد ریشه ای به این امر را ندارد. با تصویب قانونی در کنگره، فقط بر روی کاغذ میتوان تبعیض نژادی را غیر قانونی اعلام داشت و نمیتوان آنها را حذف و ریشه کن نمود. در دنیای معاصر پدیده نژادپرستی مانند دیگر پدیده های اجتماعی ریشه در نظام سرمایه داری دارد. میتوان آنها را با قانون محدود کرد ولی نمیتوان آنها را ریشه کن نمود. در جامعه سرمایه داری، اتخاذ قانون ضد تبعیض نژادی میتواند حد اکثر شکل ظاهری اعمال تبعیض را تغییر دهد ولی مضمون آن همچنان باقی خواهد ماند زیرا ریشه در نظام نابرابر سرمایه دارد. در نظام سرمایه، رئیس جمهور، بهر رنگی که باشد، بعنوان نماینده نظام، حافظ نظم سرمایه است و در برخورد به انفجارهای اجتماعی ماموریت اش سرکوب آنهاست. توده ها در جریان مبارزه جدی با تبعیض نژادی و دیگر پدیده های فلاکت بار اجتماعی به این نتیجه خواهند رسید که فقط در سرنگونی نظام نابرابر سرمایه و برقراری نظام برابر اجتماعی، سوسیالیسم، میتوان این پدیده ها را ریشه کن نمود.

در آمریکا بیش از یک دهه است که سیاست میلیتاریزه کردن نیروی پلیس به پیش میرود. چندین سال است که پدیده به خیابان کشاندن نیروی سرکوبگر پلیس با خودروی نظامی و تانک و مسلسل بوضوح دیده میشود. این پدیده در شهر فرگوسن بسیار بچشم میخورد بطوری که برای عموم مردم تمایز بین ارتش و پلیس کمرنگ میشود. پنتاگون هر ساله مقدار زیادی از تسلیحات ارتشی را در اختیار پلیس قرار میدهد تا در مقابله با جنبش و شورشهای اجتماعی از آن استفاده کنند. آنچه مسلم است میلیتاریزه کردن پلیس جزئی از سیاست فاشیستی کردن جامعه است. اما شورش در فرگوسن نشان داد که، علیرغم بسیج و تسلیح پلیس و گارد ملی با تانک و مسلسل، علیرغم گسیل داشتن هزاران نیروی سرکوبگر تا بدندان مسلح، حتی شهری کوچک با مردمی بهم پکیده میتواند بپا خیزد، مقابله و استقامت کند، وضعیت فوق العاده منع رفت و آمد شبانه را در هم شکند، وحشیگری نیروهای سرکوبگر نظام بحران زده سرمایه را بنمایش بگذارد، پیام خود را به جهانیان برساند، و با مردم دیگر پیوند و همبستگی ایجاد نماید. در واقع این همبستگی بشکلی بارزی در جریان شورش فرگوسن خود را بروز داد. تظاهرات و همبستگی با مردم فرگوسن و اعتراضات به قتل مایکل براون در بسیاری از شهرهای آمریکا سریعاً رشد کرد. لوس آنجلس، نیویورک، واشنگتن، فیلادلفیا، شیکاگو، سیاتل، بوستن، و بسیاری شهرهای دیگر شاهد اعتراضات به قتل مایکل براون و بیان همبستگی با فرگوسن بوده است.

**تظاهرات از لوس آنجلس تا فرگوسن در اعتراض به قتل ایزل فورد و در همبستگی با مردم فرگوسن
ایزل فورد جوان ۲۴ ساله سیاه پوست نا توان مغزی بود که توسط پلیس لوس آنجلس بقتل میرسد.**

اسرائیل صهیونیست زیر بار آتش بس پایدار و عادلانه نمی رود

به خواسته های جنبش مقاومت فلسطین که در حال مذاکره در مصر سر می برد در زیر ملاحظه فرمائید. برگرفته از بیانیه حزب کارایران (توفان) مورخ یکم اوت ۲۰۱۴ میلادی:

خواستهای سازمانهای مقاومت فلسطین

- ۱- آزادی برای غزه، پایان دادن به هرگونه عملیات نظامی زمینی، هوایی و دریایی،
 - ۲- خروج نیروهای نظامی اسرائیلی از غزه تا کشاورزان فلسطینی بتوانند از زمین های خود تا دیوارهای اسرائیل بهره برداری کنند،
 - ۳- آزادی فلسطینی هایی که ابتداء به عنوان مبادله ی زندانیان در برابر سرباز اسرائیلی گیلان آزاد شده، اما دوباره در آغاز جنگ غزه دستگیر شدند،
 - ۴- پایان دادن به محاصره ی اقتصادی و باز کردن مرزهای غزه،
 - ۵- قرار گرفتن بندر و فرودگاه بین المللی غزه زیر نظارت سازمان ملل متحد،
 - ۶- گسترش محدوده ی ماهی گیری ساحل غزه و نظارت سازمان های بین المللی بر مرز رفح،
 - ۷- پذیرش آتش بس ده ساله و بسته شدن آسمان غزه به روی هواپیماهای اسرائیلی،
 - ۸- اجازه ی سفر مردم غزه به اورشلیم برای زیارت مسجد الاقصی،
 - ۹- خاتمه به مداخله در سیاست داخلی فلسطین و تشکیل دولت واحد،
 - ۱۰- گشودن منطقه صنعتی غزه."
- این خواستهای حماس (جنبش مقاومت اسلامی فلسطین) توسط سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف) نیز مورد حمایت قرار گرفت و به این ترتیب دست صهیونیستهای اسرائیل که هدفش نابودی ملت فلسطین، نسل کشی و ادامه اشغال سرزمینهای فلسطینی است رو شده است

آتش بس و مروری بر فاجعه بمباران غزه



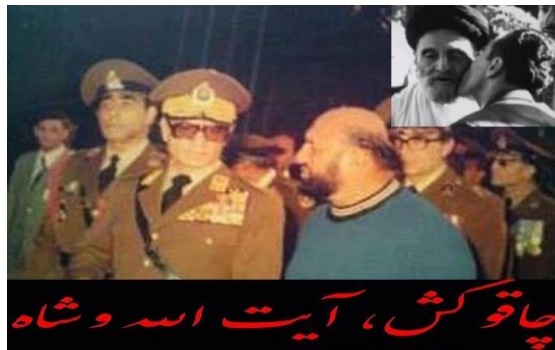
تصویر فوق بیانگر این است که رژیم اسرائیل برخلاف پاره گویان سیاسی و جیره خواران دستگاه صهیونیسم یک رژیم متعارف و برآمده از مردم، یک نظام «دمکراتیک و مترقی نیست!!» این یک رژیم صهیونیستی، توسعه طلب و تروریستی است. صهیونیسم یعنی اشغالگری. یعنی جایگزین کردن یک ونیم میلیون یهودی وارداتی به جای فلسطینیان و تاراندن آنها از سرزمین مادری شان، یعنی تجاوز نظامی به سرزمین فلسطین و کشورهای سوریه، عراق، لبنان، تونس و...، یعنی اشغال بلندی های جولان، یعنی ۲۰۰ ۳۰۰ - بمب اتمی، یعنی استقرار رژیم آپارتاید علیه چند میلیون فلسطینی که سرزمین شان اشغال شده، یعنی جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت، یعنی کودک کشی و دزدیدن آینده کودکان فلسطینی، یعنی راسیسم و بیرحمی و توحش و بربریت. مرد ۵۰ ساله ای فلسطینی در غزه در مصاحبه با یک خبرنگار بی بی سی گفت: در جهان غرب انجمن های فراوانی در حمایت از حقوق و هستی و سلامت

حیوانات وجود دارد. آیا ارزش ما فلسطینیان کمتر از یک حیوان است؟ وی که اشک در چشمانش سرازیر شده بود با اشاره به ساختمان های ویران شده گفت ما فلسطینیان شایسته یک زندگی انسانی هستیم!!! خوب است جهان غرب و اسرائیل حداقل با ما مثل حیوانات اروپایی برخورد کنند!!! ما انسانیم!

بیش از ۲۵۰۰ نفر فلسطینی که ۹۰ درصد آن مردم غیر نظامی غزه بودند، جان باختند. بیش از ۸۰ درصد این قربانیان کودکان و زنان بودند. ۷۵ هزار حمله هوایی و دریایی و زمینی و ریختن هزاران تن بمب بر سر مردم غزه و نابودی مدارس، دانشگاه ها، بیمارستان ها، نیروگاه برق، شبکه مخابراتی و کارخانه و حیات مادی مردم، جنایت علیه بشریت است. به گفته سخنگوی سازمان ملل متحد تاکنون 660 هزار نفر آواره شده اند.

صهیونیستها امروز در اثر مقاومت یکپارچه ملت فلسطین و فشار افکار عمومی تن به آتش بس موقت تن داده اند. اما همانطور که تاریخ نشان داده در ماهیت و سرشت رژیم فاشیستی صهیونیستی اسرائیل آتش بس و صلح نیست. آنها با حمایت امپریالیستهای غرب و درراس آن آمریکا خواهان بلعیدن کل فلسطین هستند. از این رو فقط با نبردی مسلحانه، متشکل و طولانی و جلب افکار عمومی مردم جهان و نیروهای مترقی یهودی ضد صهیونیست است که می توان بر این عفریت هفت سر و آدمخوار غلبه کرد. نابد باد رژیم صهیونیستی اسرائیل! زنده باد جنبش مقاومت ملت فلسطین!

چند یادداشت سیاسی به مناسبت شصت و یکمین سالگرد کودتای ننگین ۲۸ مرداد برگرفته از صفحه فیسبوک حزب کار ایران (توفان)



امروز 28 مرداد است. یادآور روز کودتای ننگین و ضد ملی آمریکائی، روز خفه کردن جوانه دموکراسی و استقلال، روز مصیبت ملت ایران.

روی سخن ما به آنهایی است که اینروزها از روی بی افقی و سرخوردگی سیاسی و فرار از مار غاشیه به عقب جرات پناه برده و به نردبان رضا پهلوی این عامل اجنبی آویزان شده اند. این بیخردان برای توجیه سیاست ارتجاعی خود بدروغ رضا پهلوی را "دمکرات و ملی" جار میزنند، که "وی مثل پدرش نیست و هیچ ربطی به پدر بزرگش هم ندارد"، که وی از "نسل جوان" است و از "گذشته پدرش آموخته است"، که وی بسیار دلسوز و خاکی است و "انسان خیلی خودمانی است"...!! مادرش فرح پهلوی هم انسان مهربانی است، زن با فرهنگی است!!! ".... این نکات اگر با انگیزه خیانت نباشد حتمن از سر نادانی و جهالت و بیسوادی سیاسی و عدم شناخت از تاریخ پرفراز و نشیب دوران معاصر ایران است. هم رضا پهلوی و هم فرح پهلوی و دارودسته شان از کودتای آمریکائی 28 مرداد و سرنگونی دولت ملی دکتر محمد مصدق دفاع میکنند. از دخالت سازمان جاسوسی اجانب در ایران و خفه کردن آزادی و استقلال ایران دفاع میکنند. اینان خود فروخته امپریالیسم و استعمارند که این روزها با پولهای دزدیده مردم ایران به فعالیت مشغولند؛ به فکر احیای همان سلطنت منفور گذشته اند که مسبب روی کار آمدن رژیم سلطنتی ولی فقیه اسلامی است. ننگ بر خاندان منفور پهلوی و روشنفکران مزدوری که به توجیه کودتای خانانه 28 مرداد می پردازند.

آخرین سخنان زنده یاد دکتر حسین فاطمی خطاب به:

(دادستان ارتش بعد از کودتای ۲۸ مرداد و افسران حاضر در جلسه ۱ «آزموده»
۱۰۶ و ۱۰۷ کتاب مصدق و حاکمیت ملت محمد بسته نگار، ۱۰۵، برگرفته از صفحه های ۱۰۴



« ساعت چهار بعد از نیمه شب چهارشنبه ۱۹ آبان عده ای از افسران که حدود سی نفر بودند و در پیشاپیش آنها آزموده مجنون سادیست و بختیار جاسوس پست فطرت و قاضی عسگر حرکت می کردند از باشگاه تیپ زرهی به طرف آقای دکتر فاطمی آمدند و پس از ورود به اطاق، آزموده اظهار داشت که اعلیحضرت همایونی با تقاضای فرجام شما موافقت نکرده اند. بنابراین مفاد حکم باید اجرا شود، وصیتی دارید بفرمایید. شما که مکرر می فرمودید که من از مرگ باکی ندارم و مرگ حق است. . . . دکتر فاطمی نگذاشت آزموده حرف خود را تمام کند و گفت:

آری آقای آزموده مرگ حق است و من از مرگ باکی ندارم آن هم چنین مرگ پر افتخاری، من قربانی نفت هستم. من می میرم که نسل جوان ایران از این مرگ درس عبرت گرفته و با خون خود از کشورش دفاع کرده و نگذارد جاسوسان اجنبی بر این کشور حکومت نمایند، من درهای سفارت انگلیس را بستم غافل از این که تا دربار هست انگلستان سفارت لازم ندارد. . . .

اگر بجای ارباب تو یک افسر نازی در ایران بود این قدر خون ایرانیان بی گناه را نمی ریخت. من بارها در کام مرگ فرو رفتم ولی خداوند حافظ من بود. یک بار به دستور شاه در آرامگاه محمد مسعود به من تیر زدندو بار دیگر در شهربانی به امر شاه شعبان بی مخ که اکنون سرهنگ افتخاری و آجودان مخصوص ارباب شماس در حضور همین بختیار در میان صف به من چاقو زد. آقای آزموده قبل از نوشتن وصیتنامه سه تقاضا دارم:

۱. مانند هر محکومی حق دارم در آخرین ساعت حیات خود برادران و خواهران و زن و فرزندم را ببینم و با آنها تودیع کنم. موافقت کنید کسان من به زندان بیایند و برای لحظه آخران ها را ببینم.

۲. اجازه دهید با پیشوا و پدر بزرگوارم دکتر مصدق و همکارانم مهندس رضوی و دکتر شایگان ملاقات و تودیع نمایم.

۳. از شما آقایان افسران خواهش می کنم چند دقیقه به بیانات این محکوم به اعدام توجه بفرمائید. آزموده در جواب گفت ملاقات با دکتر مصدق و کسان شما میسر نیست ولی با دکتر شایگان و مهندس رضوی پس از نوشتن وصیتنامه می توانید تودیع کنید و تا ساعت شش صبح وقت دارید هر مطلبی دارید بفرمایید. شهید راه وطن دکتر فاطمی خطاب به افسران آقایان افسران در آخرین ساعات حیات هیچ محکومی در مقام تظاهر و « اظهار داشت عوامفریبی آن هم برای مأموران اعدام خود بر نمی آید. آنچه در این ساعت که از حیات خود نومید و به مرگ خود یقین دارم می گویم از صمیم دل و از روی حقیقت و ایمان است. ما از نهضتی که در این کشور به پیشوائی دکتر مصدق شروع کردیم هیچ قصد و غرضی جز تأمین عزت و استقلال مملکت و قطع نفوذ اجانب و سعادت و سربلندی ملت ایران نداشتیم، ما در

پی جاه و مقام و آش و پلو نبودیم. رهبر بزرگ ما هفتاد سال سابقه شرافت و تقوا و وطن پرستی و جهاد و مبارزه با قلدان و زورگویان داخلی و خارجی دارد. او در راه نجات ایران از همه چیز صرف نظر کرده و حاضر است تا آخرین قطره خون خود را برای ایران بدهد.

آقایان افسران، کار کشور ما بر اثر صد سال استعمار به جانی رسیده بود که بیگانگان یک شاه را از روی تخت سلطنت برداشتند و شاه فعلی را به جای او گذاشتند. سفیر انگلیس کمتر خودش به دربار می رفت هر وقت کاری با شاه داشت "ترات" منشی شرقی سفارت را پیش شاه می فرستاد و شاه هم در مقابل سفارت چون بید می لرزید. وکلای کشور را بیگانگان معین می کردند. وزیر کشور "تدین" به دوستی یک نفر منشی سفارت افتخار داشت و اوامر او را از

دل و جان اجرا می کرد، نخست وزیران و وزرای خارجه در مقابل سفرا خاضع و خاشع و مطیع و منقاد بودند و مشاور دربار سلطنتی رشیدیان معلوم الحال پسر دربان سفارت انگلیس بود. پس از سه سال مبارزه و فداکاری سران نهضت ملی کار ایران به جانی رسید که اجنبیان رابیرون کردیم. سفرای کشورهای خارجه در ملاقات با نخست وزیر و وزیر امور خارجه شماچاره ای جز تکریم و احترام نداشتند و در مقابل ما همان روبه ای را پیش گرفتند که در مقابل

زامداران کشورهای بزرگ اتخاذ کرده بودند. دست دربار شاه در امور کشور کوتاه گردید. در حکومت ما اشرف و شاه دیگر جرأت نداشتند که شبی پنجاه هزار دلار در قمارخانه هایمونت کارلو ببازند. از دزدی و قاچاق و کنترات فروشی دربار جلوگیری کردیم. حکومت نهضت ملی، انگلستان را در شورای امنیت، در محاکم دادگاه لاهه، در دادگاه های ایتالیا و ژاپنشکست داد و دماغ امپراتوری انگلیس را به خاک مالید. نام ایران و ایرانی در تمام دنیا به عزت برده می شود و محبت مصدق پیشوای محبوب ما در قلب کلیه مردم

خبرخواه دنیانش بسته است. آقایان افسران من به حیات خود علاقه ندارم ولی می خواهم به شما یک نصیحت بکنم، تشکیل ارتش و تربیت افسر در تمام دنیا برای حفظ استقلال کشور است آیا شما که این لباس پر افتخار را به تن کرده اید متوجه این وظیفه هستید؟ آیا شما می دانید که دوباره کشور شما به دست جاسوسان و نوکران و جیره خواران سفارت انگلیس افتاد؟ آیا شما می دانید که حکومت فعلی چهل سال دیگر ایران را به اسارت بیگانگان داده و افرادی را که در راه تأمین استقلال سیاسی و اقتصادی کشور جانبازی کرده اند به دست شما می کشند؟ آقایان افسران می دانید من چرا کشته می شوم؟ من برای این کشته می شوم که اولین اقدام من در وزارت خارجه به دستور پیشوای نهضت ملی بستن سفارت و قنصل خانه های انگلیس در ایران بود

و بنا به گفته پیشوای ما سرنوشت جبهه ملی باید سرمشق مردانی شود که در خاورمیانه بر علیه مظالم انگلیس قیام کنند . . . ولی به هیچ وجه مأیوس نیستم و یقین دارم خون من درس عبرتی برای هزاران جوان ایرانی شده و آن ها به تأییدات متعال قادر و عادل انتقام این ملت ستمدیده را از استعمار انگلستان و ایادی ناپاک او خواهند گرفت. آقایان افسران ما سه سال در این کشور حکومت کردیم و یک نفر از مخالفان خود را نکشتیم برای آن که ما نیامده بودیم برادرکشی کنیم ما برای آن قیام کردیم که ایران را متحد کرده و دست خارجی را از کشور کوتاه کنیم و معتقد بودیم اگر در گذشته بعضی از هموطنان ما در اثر فشار اجانب تحت نفوذ آن ها قرار گرفته اند و منویات آن ها را اجرا کرده اند بعد از آن که به نهضت استقلال نایل شدیم رویه سابق را ترک خواهند گفت ولی افسوس که عاقبت گرگ زاده گرگ شود . . .

آقای آزوده من هیچ تصور نمی کردم شاه این قدر ترسو و کوچک فکر و بی وطن باشد که دست خود را به خون یک ایرانی مریض و بی پناه نیز برای خاطر سفارت انگلیس آلوده نماید. او ز کشتن من چه نتیجه ای خواهد گرفت مرگ یک نفر مریض چه لذتی برای او دارد من از این شهادت پر افتخار لذت می برم. آقایان، مرگ بر سه قسم است مرگ در رختخواب که آن را طبیعی می گویند مرگی که بالذت توأم باشد نظیر مرگ رضاخان در ژوهانسبورگ و مرگی

که در راه شرافت و افتخار به دست آید نظیر مرگ من. من خدای را شکر می کنم که در راه مبارزه با فساد شهید می شوم و خانواده من بسیار مفتخرند که مرد کوچکی از میان آن ها به این سعادت نایل گردد. خاندان قاتل من که یک بار با تحمیل قرارداد ۱۹۳۳ شصت سال و بار دیگر با قرارداد کنسرسیون، سی سال ایران را اسیر ساخت با کشتن من و زجر و حبس سران نهضت ملی ایران ننگ های دیگری را بر پستی های خود اضافه می کنند و به این ترتیب ضربت علیهم الداله والمسکنه آقای آزوده بر اوید به ارباب خود بگویند:

اگر ز دست بلا بر فلک رود بدخوی ز دست خوی بد خویش در بلا باشد شاه فکرمی کند باکشتن، زجر، شکنجه و حبس می تواند مردم ایران را مرعوب و مغلوب سازد اشتباه بزرگی است. تکیه به سرنیزه توان کرد لیک بر سر سرنیزه نشاید نشست این افسران که امروز در این جا ایستاده اند و این منظره رقت بار را مشاهده می کنند یک روز بر علیه این دستگاه قیام خواهند کرد. شاه باید از روزی بترسد که به سرنوشت لوئی شانزدهم و تزار روس و محمدعلی میرزا و ضاخان مبتلا گردد. در عصر حاضر مردم ستمدیده ای که از دست ظلم و جور به ستوه آمده اند خود را از شر استعمار و از دست ظلم عمال انگلیس و خانواده منحوس که چون بوم شوم ایران را به ویرانه ای مبدل ساخته اند خلاص خواهند کرد، کشتن من بی گناه در دشا را دو انمی کن دتنه اتقوا و ایران پرستی و شرافت و درستکاری و عدالت اجتماعی است که می تواند دردهای اجتماعی و سیاسی و اقتصادی ما را چاره نماید. در این دم آخر می خواهم به ملت ایران و کسانی که در راه نهضت مقدس ملی جانبازی و فداکاری کرده اند درود فرستم و خدا را شکر کنم که با شهادت در این راه پر افتخار دین خود را به ملت ستمدیده و استعمارزده و غارت شده ایران ادا کرده ام. امیدوارم سربازان مجاهد نهضت همچنان مبارزه خود را ادامه دهند. زیرا من به آرزوی خود رسیده و سعادت جاودانی شهادت نصیبم شد.

پاینده باد ایران زنده باد دکتر مصدق»

سخنی بمناسبت شصت و یکمین سالگرد کودتای ننگین ۲۸ مرداد



شعبان جعفری معروف به شعبان بیمخ و دارودسته چاقوکش او، افتخار "ملی" سلطنت طلبان مزدور

سلطنت طلبان بیشرم هیچگاه ازرومی روند و همچنان کودتای ننگین ۲۸ مرداد را " رستاخیز ملی" مردم ایران در دفاع از محمد رضا شاه مزدور جار میزنند. روشنفکران قلمبدهست مزدبگیری نظیر میر فطروسها در این میان به توجیه "تئوریک و تاریخی" قیام ملی" می پردازند و رضا خان قلدر و محمد رضا شاه خائن را " مظهر مدرنیسم و تمدن و پیشرفت" در ایران جلوه میدهند. اینها همه در زمانی رخ میدهد که حتا اربابشان امپریالیسم آمریکا دست داشتن خود در سرنگونی دولت ملی دکتر محمد مصدق را مورد تأیید قرار داده است. مطلب زیر پاسخی به این کارگزاران امپریالیسم و تئوریسینهای خود فروخته ای است که همچنان از کودتای ننگین ۲۸ مرداد دفاع میکنند و در وطنفروشی و اجنبی پرستی ید طولانی دارند.

کودتای خانانه 28 مرداد و اعتراف خادمانه پرزیدنت بیل کلینتون

جمعه ۹ بهمن ۱۳۸۳ - ۲۸ ژانویه ۲۰۰۵

ایرنا: "بیل کلینتون" رییس جمهور پیشین آمریکا روز پنجشنبه پذیرفت که آمریکا مسئول سرنگونی دولت دکتر محمد مصدق بوده است. کلینتون که در یکی از نشست های مجمع جهانی اقتصاد در داوس Davos سوییس سخن می گفت ضمن مقایسه دولت آینده عراق و ایران افزود: "ایران یک نمونه کاملا متفاوت است. کلینتون افزود: "آمریکا در سال هزار و نهصد و چهل و یک فردی آزادیخواه و مردم سالار منتخب مردم آن کشور را سرنگون کرد و شاه را به حکومت باز گرداند." (کودتای 28 مرداد در سال 1332 شمسی مطابق 1953 میلادی بود-توفان). کلینتون اظهار داشت: "هنگامی که خاتمی انتخاب شد من (از سرنگون کردن دولت مصدق) عذرخواهی کردم. امیدوار بودم که بتوانم روابط حسنه ای با ایران داشته باشم."

البته خانم مادلین فولبرایت وزیر امور خارجه آمریکا در زمان کلینتون برای نخستین بار بطور معیوبی مسئله کودتای 28 مرداد را طرح کرد. در همان زمان در قبال کنجکاوی رسانه های گروهی جهان مدعی شد که اسناد مربوط به کودتا نابود شده اند و این است که انتشار آن مقدور نیست. البته رژیم جمهوری اسلامی نیز تمایل زیادی به رو شدن نقش آخوندها در کودتا و از جمله نقش واعظ مشهور فلسفی نداشتند.

لیکن تنها اشتباه آقای کلینتون در گفتار بالا، در بیان تاریخ آن نبود و فراموش کرد اضافه کند که روحانیت در کودتای ۲۸ مرداد همدست امپریالیستها بود. رهبر آنها آیت الله کاشانی که حامیانش نظیر شعبان بی مخ و طیب رضائی و چاقو کشان میدانی و نظایر آنها را برای کمک به کودتا آماده و اعزام کرده بود، خودش با شاه و زاهدی کنار آمد. این است که روحانیت هرگز از سرنگونی محمد مصدق ناراضی نبود. خمینی هنوز چهره اش از "سیلی که ملی ها به صورتش" زده بودند درد میکرد. بعد از انقلاب آنها نام خیابانی را که هواداران مذهبی مصدق بنام خیابان مصدق نامگذاری کردند به نام آیت الله کاشانی تغییر دادند. مردم ایران حاضر نشدند این نام کثیف را بپذیرند و آنقدر بر در و دیوار علیه این آیت الله انگلیسی شعار نوشتند که رژیم ناچار شد نام خیابان را به ولیعصر تغییر دهد. این است که عذر خواهی کلینتون از خاتمی نمیتوانست هم موثر باشد.

ولی این عذر خواهی در عین حال یک تو دهنی بزرگ به دارو دسته سلطنت طلبان است که میخواهند یک دودمان بدنام و دست نشانده آمریکا را مجددا در ایران بر سر کار آورند. آنها حتی حاضر نیستند بپذیرند که امپریالیستها شاه فراری را با سرنگونی حکومت ملی دکتر مصدق بر سرکار آوردند تا قرارداد استعماری کنسرسیوم نفت را امضاء کرده، ملی شدن صنعت نفت ایران را کم لم یکن نموده و ایران را به پایگاه امپریالیست آمریکا بدل کرده و بعنوان قلدر و چماق بدست منطقه نقش ژاندارم را بعهده گرفته و مبارزات تساری طلبانه و آزادیخواهانه منطقه را سرکوب کند. شاه قاتل خلقهای منطقه بود. سلطنت طلبان از این نقطه عطف تاریخ ایران بنام "کربلای ۲۸ مرداد" سخن میرانند تا به مضمون واقعی مسئله پرداخته و با بی اهمیت جلوه دادن آن نقش تعیین کننده آنرا در روند تحولات آتی ایران لاپوشانی کنند. آخر اگر رژیم شاه دست نشانده سازمان "سیا" بود آنوقت همدستان شاه و یاران وی که حزب رستاخیز را علم کردند و با ساواک را تقویت نمودند و شکنجه خانه های اوین و کمیته شهربانی و لشکر دو زرهی و رکن دو ارتش و... را به وجود آوردند نمیتوانستند میهن پرست بوده و عامل اجنبی در ایران نباشند. این بیچاره های همدست امپریالیست مایلند که اساسا نکات "ناخوشایند" تاریخ ایران حذف شود. نه از کودتای خانانه ۲۸ مرداد سخنی به میان آید و نه از انقلاب شکوهمند بهمن حرفی زده شود. برای آنها تاریخ ایران که سنت مبارزه خلق ماست و باید منبع آموزش و الهام باشد تاریخ مرده است، تاریخ مرده هاست. حمایت از جنبش ضد استعماری مردم ایران در سالهای ۳۰ و دستاورد عظیم آن که ملی شدن صنعت نفت ایران بود چنگ انداختن به گذشته و مرده پرستی است. و نسلی که آموزگار تاریخ جهان نه تنها در خاور میانه بلکه در جهان بود، نسل مرده پرستان است. این عده مجوف و مالیخولیایی که پولهای "سیا" و "موساد" و حدتشان را برهم زده است کوچکترین پیوندی با مردم ایران ندارند. حمایت از مصدق، حمایت از دوره ای درخشان از تاریخ مبارزات مردم ایران است. کسانی که این مبارزات را برسمیت نمیشناسند تعلق باین ملت ندارند. آنها پس از تلاش نافرجامشان تا 16 آذر سال 32 را با 18 تیر پیوند زنند و از تأثیرات الهامبخش آن در مبارزات دانشجویی حاضر بکاهند، بیکباره جنایات شاه را در 16 آذر مسکوت گذارند. آنها نه تنها تاریخ را مسکوت میگذارند از بقیه نیز می طلبند که فکر نکنند، عقل خود را اجاره دهند، تاریخ را مسکوت بگذارند زیرا که به وحدت با دشمنان مردم صدمه میزنند.

آنها به مصداق اینکه مورچه ها شاه دارند، زنبورها شاه دارند پس چرا ما شاه نداشته باشیم در تلاشند که یک شکل حکومتی فرسوده و پوسیده تاریخی را که عمرش را به جمهوری داده است از گور تاریخ با یاری "سیا" و "موساد" بدر آورند و ملتی را وادار کنند که نسلها در نسلها مخارج گزاف مشتی طبقی بی مغز را که هنرشان در برپائی عشرتکده های درباری است پرداخت کنند. به اعتبار خویشاوندی خونی صرفنظر از درجه کیاست و یا سفاقتشان بر میلیونها مردم حکم برانند و برایشان بخندند و مشتی روشنفکر خود فروخته با صله و درهمی را در مدح پادشاهی به خدمت بگیرند تا مردم کشورشان را شستشوی مغزی دهند و به آنها بقبولانند که ایرانی جماعت "شاهدوست" است و "نوکر صفت".

آنها میخواهند شاه مرده را زنده کنند و مصدق زنده را به خاک بسپارند.

محمد رضا شاه منفور با زندان و تبعید و حصر مصدق نتوانست نام بزرگ وی را به بایگانی فراموشی بسپارد. حافظه تاریخی مردم ما بیش از آن گنجایش دارد که اوباشان سلطنت طلب و خائن می پندارند. تمام تلاش آنها برای اینکه از پسر شاه، به اعتبار گروه خونی اش پادشاه ایران زمین بسازند آنقدر بیهوده است که دم مسیحائی نیز برای جان بخشیدن به این میت تاریخی کفایت نخواهد کرد. پادشاهی مرده را با هیچ شعبده ای نمیشود زنده کرد. آنکه زنده است مصدق است و آنکه لاشه وار جولان میدهد مدعی بی تاج و تخت پادشاهی ایران است که باید در دادگاه خلق برای غارت ثروت سرشار ملت ایران که هنوز از قتل آن عیاشی میکند حساب پس دهد. باید حساب پس دهد که چرا ساواکیهای دوره ی پدرش را دور خود جمع کرده و از حمایت آنها برخوردار بوده و خط تمایزی با آنها نمیکشد و آنها را مفتضح و افشاء نمیکند و به پلیس بین الملل معرفی نمیکند. باید روشن کند که برخوردش بطور مشخص به خیانتها و جنایات پدرش چیست و وی تا به چه حد حاضر است به این گذشته ننگین انتقاد کند و اموالش را در خدمت مردم قرار دهد تا دادگاه خلق وی را در ایران آزاد و دموکرات تبرئه کرده و مردم ایران بپذیرند که وی میتواند بمثابة یک شهروند معمولی به حساب آید. در ایران آزاد و آباد و دموکرات و شکوفان جانی برای سلطنت طلب طلبکار و دست اندرکاران رژیم وابسته و منفور گذشته نیست. این را هم اسرائیل میداند و هم آمریکا ولی آنها مرده سلطنت طلبان را بعنوان مترسک برای دریافت امتیازات بیشتر از رژیم جمهوری اسلامی لازم دارند. ضد انقلاب مغلوب ایران حتی جنازه اش را نیز در خدمت امپریالیسم و صهیونیسم قرار داده تا از آن حداکثر استفاده را بنمایند. باید اذعان کرد که سلطنت طلبان در نوکری بیگانه از صداقت بی همتائی برخوردارند و نمیتوان متعصبانه این عامل وفاداری و صداقت را در آنها در نظر نگرفت و منکر آن شد. برآستی این مردک اگر یک جو صمیمیت و صداقت دارد باید روشن کند که این اطرافیان پدرش که دزد و جنایتکار و خائن بوده و نام پدر "بی گناهِش" را به کثافت کشیده اند چه کسانی بوده اند. نام این افراد کدامست و در کجا زندگی میکنند و فعالیت سیاسی آنها در حال حاضر چیست. آخر تا به کی میشود با عوامفریبی به مردم دروغ گفت؟ آیا سرنوشت این دودمان ننگین در انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن بحد کافی برایشان آموزنده نبوده است؟ این فرد مرده است، مرده مرده، یک مرده متحرک و مصدق همواره زنده خواهد ماند. مرده آن است که نامش به نکوئی نبرند.

در همبستگی با مردم غزه

چهار اتحادیه بزرگ کارگری سوئد خواهان تحریم بین المللی اسرائیل گردیدند



بدنیال فراخوان بین المللی چند سندیکای فلسطینی علیه بمباران غزه و تحریم رژیم آپارتاید اسرائیل، چهار اتحادیه بزرگ کارگری سوئد به ندای برادران و خواهران هم‌رزم فلسطینی پاسخ مثبت داده و با انتشار بیانیه مشترک در بزرگترین روزنامه صبح سوئد، داگنر نی هتر " حملات وحشیانه به غزه را محکوم کرده و خواهان تحریم اسرائیل شدند. در بخشی از این مقاله چنین آمده است:

"سکوت ما در قبال غزه به معنای تائید بربریت است"

زمان آن فرا رسیده است تا تمام کالاهای وارداتی از مناطق اشغالی فلسطین را تحریم کنیم. جنبش سندیکایی ما با طرح بین المللی جنبش سندیکایی اروپای شمالی مبنی بر حضور در نوار غزه کاملاً موافق است. در ضمن جنبش سندیکایی ما تحریم اسرائیل و دیگر خواسته ای مشخص را در اتحادیه جهانی کارگران مطرح خواهد ساخت. سکوت بس است. "سکوت ما در قبال غزه به معنای تائید بربریت است".

سندیکای کارگران ساختمانی، سندیکای سراسری کارمندان، سندیکای نقاشان و سندیکای الکترونیک

فراخوان سندیکاهای کارگری فلسطین

علیه بربریت و جنگ اسرائیل علیه غزه و تمام مناطق اشغالی از شرق اورشلیم گرفته تا نواحی رودن اردن. سندیکای سراسری آفریقای جنوبی نیز زیر این فراخوان را امضا کرده است. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است:

" مردم فلسطین در غزه هفت سال بطور غیرقانونی و جنایتکارانه ای مجبور شدند در اردوگاه محاصره شده توسط اسرائیل بسر ببرند. هدف این عمل وحشیانه ویران کردن شرایط زندگی مردم و درهم شکندن اراده آنهاست. این محاصر همزمان با بمبارانهای پی در پی سبب یک فاجعه انسانی شده است. کمبود آب، غذا، دارو و وسایل پزشکی شرایط وخیم و غیر قابل تحملی برای مردم ایجاد کرده است. مردم غزه فاقد هرگونه آزادی هستند، اجازه خروج از این زندان بزرگ را ندارند، فاقد امکانات تحصیلی و درمانی و خدماتی هستند. همه این محدودیتهای ضد انسانی توسط رژیم اشغالگر اسرائیل بر مردم غزه تحمیل شده است. با توجه به این توضیحات باید فشار جهانی بر اسرائیل تشدید گردد و آنرا به انزوا کشانید.

ما به برادران و خواهران خود در جنبش بین المللی سندیکایی در تمام جهان تکیه میکنیم تا با استفاده از سنت مبارزه علیه رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی با مردم فلسطین ابراز همبستگی نمایند. ما از جامعه مدنی می خواهیم که تمام کالاهای اسرائیلی را تحریم کنند. تحریم بین المللی نظامی، تحریم هرگونه سرمایه گذاری در صنایع اسرائیل، سرمایه گذاری در شرکتهای پسنزاز بازنشستگان و همینطور قطع هرگونه رابطه سندیکایی با سندیکاهایی که اشغال و سرکوب مردم فلسطین را به رسمیت می شناسند و از نژاد پرس و اشغالگر حمایت میکنند خواهانیم...."

گزارش مختصری از میتینگ شکوهمند در دفاع از مردم غزه و محکومیت رژیم جنایتکار صهیونیستی اسرائیل در سوئد



جمعه ۱ اوت ۲۰۱۴ میتینگ اعتراضی شکوهمندی با سازماندهی انجمنهای فلسطینیان مقیم لیشوپینگ و نورشوپینگ سوئد برگزار گردید و شماری از احزاب پارلمانی سوئد، حزب چپ، حزب سوسیال دمکرات، حزب محیط زیست و سازمانهای جوانان این احزاب،

انجمن عراقیهای مقیم این شهر و مبارزان فلسطینی از غزه و نمایند اتحادیه سندیکای کارمندان و کارگران این شهر سخنرانی کرده ضمن محکوم کردن حملات بربرمنشانه غزه توسط رژیم جنایتکار اسرائیل همبستگی خود را نسبت به ملت مقاوم و رزمنده فلسطین ابراز داشتند. این میتینگ با شعارهای کوبند تروریسم اسرائیل را محکوم کنید، رژیم صهیونیستی اسرائیل را تحریم کنید و از ملت فلسطین به دفاع برخیزیم با موفقیت تمام به پایان رسید. هواداران حزب کار ایران (توفان) نیز در این میتینگ شرکت داشته و با مردم غزه و جنبش مقاومت فلسطین ابراز همبستگی نمودند.

متن زیر ترجمه سخنرانی " فری داور" عضو هیئت رهبری اتحادیه سندیکای کارمندان و کارگران است که از نظر خوانندگان میگذرد.

"دوستان فلسطین و عاشقان صلح و آزادی!"

امروز درحالی که تمام نگاه جهان به پیشروی گروه تروریست داعش در عراق معطوف است، اسرائیل متجاوز از فرصت استفاده کرده بزرگترین تهاجم خود را به غزه، غزه ای که فاقد سلاح و امکانات لازم است، آغاز نموده و همچنان ادامه میدهد. تهاجم وحشیانه ای که کودک و زن و پیرو و جوان نمی شناسد و هر شب دهها هدف را بمباران میکند. طبق گفته سازمان ملل متحد، همان سازمانی که دمش در دست آمریکاست، بیش از ۷۷ درصد قربانیان این تجاوز مردم غیر نظامی غزه هستند.

برتعداد قربانیان این توحش هر روز افزوده میشود. تا این تاریخ طبق گزارشات رسیده ۱۵۵۰ کشته که بیش از ۸۰ درصد آنان را کودکان (۴۰۰ کودک)، زنان و غیر نظامیان تشکیل می دهند، ۹۴۰۰ زخمی که بیش از ۸۰ درصد آنان کودکان (حدود ۳ هزار کودک) و زنان و غیر نظامیان هستند، ۵۸ هزار حمله هوایی و دریایی و زمینی و ریختن هزاران تن بمب بر سر مردم غزه و نابودی مدارس، دانشگاه ها، بیمارستان ها، نیروگاه برق، شبکه مخابراتی و کارخانه و حیات مادی مردم، جنایت علیه بشریت است. به گفته سخنگوی سازمان ملل تاکنون ۶۶۰ هزار نفر آواره شده اند. این بمبارانها ۶ سال پس از جنگ علیه غزه که در ۲۰۰۸ آغاز شد و ۱۴۰۰ قربانی گرفت، برپیکر مجروح مردم تحت محاصر غزه وزیر ساخت باقی مانده ملت فلسطین فرود می آید و هدفش امحا فیزیکی یک ملت است که خواهان استقلال و زندگی و شادی و سازندگی است. حتا سازمان ملل در ۶ سال پیش مجبور گردید که اقدام ضد بشری اسرائیل را یک جنایت جنگی بنامد که با نیت خاص، اماکن مسکونی، بیمارستان، مدارس، لوله آب و اداره برق، پل و خیابان و مردم غیر نظامی را هدف قرار داده است.

نوار غزه پس از تهاجم اسرائیل در ۲۰۰۸ میلادی به بزرگترین اردگاه مرگ در جهان تبدیل شده است.

دوستان عزیز!

اجازه دهید چند نکته را بطور روشنتر بیان کنم:

۱- اسرائیل ادعا میکند که جنگش علیه غزه "جنگی در دفاع از خود است" و این ادعا نیز در رسانه های بین المللی غرب از جمله در مدیای سوئد تبلیغ میشود. اما طبق حقوق بین الملل یک دولت متجاوز و اشغالگر حق دفاع از خود ندارد، بلکه مردمان آن کشور تحت اشغال حق دفاع از خود دارند و جنگشان دفاعی و مشروع و دفاع از سرزمینشان است. از این رو جنگ اسرائیل علیه غزه و ملت فلسطین جنگی ضد بشری و مغایر با تمام کنوانسیونهای بین المللی است. عجب اینجاست که وزیر امور خارجه سوئد نیز از "جنگ دفاعی" اسرائیل سخن می گوید و بیشمارانه از دولت متجاوز تروریسم دولتی دفاع میکند.

۲- در رسانه های جهان غرب از جمله در سوئد از "جنگ حماس و دولت اسرائیل سخن می گویند و همواره سازمان حماس را بعنوان یک جنبش اسلامی و تروریستی محکوم میکنند و از دمکراسی و تمدن اسرائیل سخن می گویند و از حمایت معنوی و مادی به این کشور دریغ نمی نورزند. اما واقعیت آن است که جنگ موجود فقط میان سازمان حماس و دولت اسرائیل نیست. بل جنگ کل ملت فلسطین با رژیم اشغالگر اسرائیل است که بیش از ۶۰ سال ادامه داشته است. عمر حماس کمتر از بیست سال است درحالی که نبرد ملت فلسطین بیش از ۷ دهه است ادامه دارد و سازمانها و احزاب سیاسی می آیند و می روند اما نبرد ملت تا رسیدن به اهدافش ادامه خواهد داشت.

۳- سازمان حماس طبق تمام شواهد در یک انتخابات دمکراتیک با معیار دمکراسی غربی بر حریفانش پیروز شد و توسط آرا مردم انتخاب گردید. آقای کارل بیلد وزیر امور خارجه کنونی سوئد نیز یکی از ناظران این انتخابات بوده است. اما دول غربی و اسرائیل نتیجه انتخابات دمکراتیک را بر نتابیده و در عوض به تحریم و تنبیه مردم غزه دست زدند تا با گرسنگی و تشنگی دادن آنها رای شان را تغییر دهند و نمایندگی مطلوب دول غربی را در غزه انتخاب نمایند. آیا چنین است تعریف و رسم دمکراسی؟ آیا این بدان معنا نیست که قدرتهای امپریالیستی غرب و در راسش امپریالیست آمریکا مسبب اصلی این جنگ و خونریزی هستند و از فاشیسم و دولت تروریستی اسرائیل که سرزمین فلسطین را به اشغال خود در آورده است حمایت مادی و معنوی میکنند؟

۴- تروریست کیست؟ مردم فلسطین که با تولید موشکهای ابتدائی آنها فقط برای ابراز وجود فشفشه هوا میکنند که در مقایسه با سلاحهای مرگبار و مدرن اسرائیل قابل قیاس نیست، تروریستند یا اسرائیل که متجاوز است و با هواپیماهای اف ۱۶ و سلاحهای سنگین و ویرانگر موج موج جان مردم بی دفاع را میگیرد. تعدا قربانیان و همینطور ابعاد ویرانی غزه خود بیانگر این است که دولت اسرائیل، دولت تروریستی و ضد بشری است و مقاومت مردم غزه و سازمانهایش مشروع و قابل دفاع می باشد. آیا مدیای غرب و دول "متمدن و مدعی دفاع از حقوق بشر" غرب شرم نمی کنند که جنبش مقاومت فلسطین را تروریستی بنامند و چنین دروغی را به خورد مردم دهند؟

۵- رژیم اسرائیل یک رژیم متعارف و برآمده از مردم نیست. این رژیم صهیونیستی است، صهیونیسم یعنی اشغالگری یعنی جایگزین کردن یک ونیم میلیون یهودی وارداتی به جای فلسطینیان وتاراندن آنها از سرزمین مادری شان، یعنی تجاوز نظامی به کشورهای سوریه، عراق، لبنان، تونس و...، یعنی اشغال بلندی های جولان، یعنی ۳۰۰-۲۰۰ بمب اتمی، یعنی استقرار رژیم آپارتاید علیه چند میلیون فلسطینی که سرزمین شان اشغال شده، یعنی جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت، یعنی کودک کشی وزدیدن آینده کودکان فلسطینی، یعنی راسیسم. آیا این ننگ نیست که ازچنین رژیمی حمایت شود؟ رژیم اسرائیل یک رژیم آپارتاید است که باید تحریم گردد.

دوستان عزیز!

سکوت بس است. فریاد اعتراض برآریم، علیه این سلاخی بربرمنشانه بپاخوریم.

- سنديکای ما خواهان تحریم کامل رژیم آپارتاید اسرائیل است.
- باید متحداً مبارزه کنیم و خواهان برچیدن تمام حصارهای راسیستی در سرزمین فلسطین گردیم.
- باید متحداً بخواهیم که تمام تحریمهای ضد بشری علیه ملت فلسطین، درنوار غزه وهر محدودیتی در شرق اورشلیم، نواحی رود اردن و نوار غزه برچیده شود.
- باید بخواهیم که اسرائیل متجاوز طرح آتش بس جنبش مقاومت فلسطین را بپذیرد وبه قوانین بین المللی احترام بگذارد."

زنده باد همبستگی با ملت فلسطین!

تحریم باد رژیم آپارتاید اسرائیل!

با تشکر

اتحادیه سنديکای کارمندان وکارگران

Fackförbundet-Linköping

جمعه ۱ اوت ۲۰۱۴

همبستگی با مبارزات مردم فلسطین در هالیوود

گزارش کوتاهی از فعالین حزب کارایران(توفان) در آمریکا



در روزشنبه، ۱۶ اوت، صدها نفر در هالیوود کالیفرنیا به حمایت از مردم غزه در مقابل ساختمان خیرگزاری سی ان ان دست به تظاهرات زدند و رسانه های امپریالیستی را بخاطر دروغ پراکنی بر علیه مردم فلسطین و گزارش اخبار جعلی و غیر واقعی و نژادپرستانه در مورد مردم خاورمیانه محکوم نمودند. رسانه های جیره خوار در آمریکا که به کمپانی های اسلحه سازی وابسته اند چندین دهه است که حقایق را وارونه نشان داده، جانب اسرائیل را گرفته و چشم خود را به جنایات و وحشیگری آن بسته اند. شعار این رسانه ها همان شعار جنایتکارانه وعوامفریبانه پنتاگون و کاخ سفید، " اسرائیل حق دفاع ازخود را دارد"، میباشد. همچنین در روزهای شنبه و یکشنبه ۱۶ و ۱۷ اوت، چنین هزار نفر در بندر اوکلند تجمع کردند و از بارگیری کشتی زیم اسرائیلی جلوگیری بعمل آوردند. " زنده باد ملت فلسطین"، " زیم نمیتوانی خودت را از ما پنهان کنی، تو از نسل کشی فلسطینی ها حمایت میکنی"، " اسرائیل را در بندرها متوقف کنی، بنادر ما صهیونیسم را نمی پذیرند" از جمله شعارهای تظاهرکنندگان بود.

زنده باد نبرد قهرمانانه خلق فلسطین علیه رژیم صهیونیستی و متجاوز اسرائیل!

توفان شماره ۱۷۴ شهریور ماه ۱۳۹۳
ارگان مرکزی
حزب کار ایران منتشر شد.

رفقا، دوستان و یاران مبارز!

برای پیشبرد نبرد علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، علیه امپریالیسم جهانی، علیه رویزیونیسم و ضد انقلاب ترتسکیسم و شبه ترتسکیسم و تقویت جنبش کمونیستی ایران به حزب کار ایران (توفان) کمک مالی کنید!

پاره‌ای از انتشارات جدید توفان از سایت اینترنتی:

***تحریف‌کنندگان تاریخ** سندی تاریخی از انتشارات دفتر اطلاعاتی شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

***درافشای ماهیت "حزب کمونیست کارگری ایران" در دو جلد از انتشارات حزب کار ایران (توفان)**

* **مرغان پرکشیده توفان. جاباختگان توفان. چاپ دم اردیبهشت ۱۳۹۳**

* گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره چهاردهم حزب کمونیست (ب) اتحاد شوروی

* سفری به کره شمالی. از انتشارات حزب کار ایران (توفان) اردیبهشت ۱۳۹۳

* جنبه بین‌المللی انقلاب اکتبر - استالین

* مارکسیسم و مسئله ملی - استالین

* ترتسکیسم، ضدانقلاب در پوشش - م. ج. اولژین

* سخنرانی و نطق استالین به مناسبت شروع جنگ کبیر میهنی

* مانیفست حزب کمونیست - مارکس و انگلس

* توطئه بزرگ کتاب سوم

* توطئه بزرگ کتاب چهارم

در خطه حکمرانی اسرائیل اثر ارزشمندی از بهروز افراشته

سرزمین اشغال شده فلسطین توسط عزرائیل

ما خواندن این کتاب را به همه علاقمندان و پژوهشگران و مبارزین راه زادی و استقلال و سوسیالیسم توصیه می‌کنیم



آدرس سایتها و وبلاگهای مرتبط با حزب

www.toufan.org

<http://www.kargareagah.blogspot.com>

<http://kanonezi.blogspot.com>

<http://rahetoufan67.blogspot.com>

سایت کتابخانه اینترنتی توفان

<http://toufan.org/ketabkane.htm>

سایت آرشیو نشریات توفان

http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm

توفان در توئیتر

<https://twitter.com/toufanhezbkar>

توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

<https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=t>

توفان در فیسبوک

<https://www.facebook.com/toufan.hezbkar>

دست صهیونیستها از فلسطین و منطقه کوتاه باد!